

بیانات در محفل انس با قرآن کریم - 16 / اردیبهشت / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید! خیلی بهره بردیم، استفاده کردیم از تلاوتهای خوب و از برنامه‌هایی که اجرا کردند. بحمدالله سال به سال، روز به روز ملت ما، جوانهای ما، قرآن خوان‌های ما رشد میکنند، پیش میروند و این، مایه‌ی سپاس دائمی ما باید باشد؛ الحمدلله خیلی خوب بود. و خدا را شاکریم که یک بار دیگر توفیق داد، عمر داد، فرصت داد که این مجلس را، این جلسه را، این جمع را زیارت کنیم. خداوند ان شاءالله همه‌ی شما را با قرآن محشور کند.

قرآن یک اثر هنری بی نظیر است، یعنی یک جنبه‌ی از عظمت قرآن و اهمیّت قرآن عبارت است از زیبایی هنری قرآن؛ اتفاقاً آن چیزی که در درجه‌ی اول دلها را مثل مغناطیس به سمت اسلام جذب کرد، همین جنبه‌ی هنری قرآن بود. عربها، هم موسیقی الفاظ را میفهمیدند، هم با زبان ادب آشنا بودند - در آن محیط عربی این جوری بود - ناگهان دیدند یک پدیده‌ای وسط آمد که شبیه آن را نشنیده‌اند؛ نه شعر است، نه نثر است اما یک پدیده‌ی هنری فوق العاده است. این همان چیزی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید: ظاهره اُنِيقٌ وَ باطنه عمیق ؛ (۲) «اُنِيق» یعنی آن زیبایی شگفت آور، آن زیبایی‌ای که وقتی انسان در مقابل آن قرار میگیرد، به حیرت می‌افتد؛ زیبایی در قرآن این جوری است. البته ما فارس زبانها یعنی غیر عرب زبان‌ها و خیلی از عرب زبان‌ها این توفیق را ندارند که این زیبایی را درک کنند؛ [ولی] با انس زیاد با قرآن میشود درک کرد. وقتی انسان با قرآن انس بگیرد، زیاد تلاوت کند، زیاد بشنود، آن وقت میفهمد که غیر از جنبه‌ی معنوی، این زبان، این جملات، چقدر شیوا است، چقدر زیبا است.

خب، این اثر هنری را باید هنری اجرا کرد. یک وقت هست که من و شما در منزل برای خودمان قرآن میخوانیم، خب هر جور خواندیم مانعی ندارد؛ با صوت بخوانیم، بی صوت بخوانیم - البته ظاهراً آنجا هم وارد شده است که صدای قرآن از خانه‌ها بیرون بیاید؛ آن برای جنبه‌ی فضا سازی قرآنی در کلّ جامعه است که یک فضا سازی قرآنی‌ای بشود، از خانه‌ها صدای قرآن بیرون بیاید، لکن وقتی انسان تنها میخواند، برای خودش میخواند، فرقی نمیکند که یواش بخواند، بلند بخواند، آهسته بخواند، با صوت بخواند - اما وقتی شما مخاطبی دارید، مثلاً [قرائت] مجلسی میخوانید، اینجا میخواهید مخاطب را تحت تأثیر قرار بدهید؛ اینجا باید هنر بیاید وسط میدان، اینجا است که هنر بایستی نقش ایفا کند؛ مخاطب را با هنر میشود تحت تأثیر قرار داد. این تلاوتهایی که ما می‌شنویم و گوش میکنیم و تشویق میکنیم و تأیید میکنیم، معنایش این است؛ یعنی شما این اثر فاخر بی نظیر هنری را به شکل هنرمندانه اجرا میکنید، به شکل هنرمندانه میخوانید؛ آن وقت نتیجه این میشود که اثرش میشود چند برابر؛ البته به شرط اینکه این جنبه‌ی تلاوت هنری درست انجام بگیرد، با دقت انجام بگیرد. مثلاً فرض بفرمایید بنده بارها به دوستان سفارش میکنم که قرآن را تلاوت از نوع تفهیم معانی [بخوانید]؛ جوری بخوانید که میخواهید معانی را تفهیم کنید. ما این را در شعرخوانی فارسی خودمان مشاهده میکنیم؛ مدّاح می‌آید می‌ایستد، با صدای خوش شعر میخواند؛ دو جور میتواند بخواند:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان

ایوان مدائن را آئینه‌ی عبرت دان (۳)

میشود این جوری بخواند، میشود هم بگوید:

هان ای دل عبرت بین! از دیده نظر کن هان!

ایوان مدائن را، آئینه‌ی عبرت دان

این دو جور خواندن مثل هم است؟ این دو جور خواندن مثل هم نیست. دوّمی این جوری است که شما روی جملات، روی کلمات، تکیه‌ی مناسب میکنید. این کاری است که مثلاً فرض کنید شیخ عبدالفتاح شعشاعی میکند، مصطفیٰ اسماعیل میکند؛ این کار آنها است؛ یعنی در میان خواننده‌های قدیمی مصری هم، همه این جور نیستند، همه این کار را بلد نیستند یا توجه ندارند، اما بعضی‌هایشان میفهمند که چه کار دارند میکنند؛ وقتی که قرآن را میخواند، آنجایی که باید تکیه بکند، تکیه میکند؛ جوری حرف میزند که گویا شما مخاطب کلام خدا قرار میگیرید، دل شما جذب میشود. این معنا بایستی در تلاوتهای ما - و بخصوص شماها که الحمدلله خوش صدا هستید؛ میبینم دیگر، الحمدلله همه‌ی شما خوش صدا هستید و صداهایتان و نَفَس‌هایتان خوب است و مثلاً از جهات گوناگون بلدید- در قرآن خواندن ما در محافل و مجالس وجود داشته باشد.

البته آن جنبه‌ی دوّم هم - وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ - با همین کار هنری ارتباط دارد، ارتباط پیدا میکند؛ یعنی این شیوه‌ی خواندن میتواند تا حدود زیادی ما را به آن باطن رهنمون بشود؛ اما بایستی توجه به باطن قرآن پیدا کرد. منظورم از «باطن قرآن» آن بطونی نیست که فقط اهل الذکر، ائمه‌ی هدی (علیهم السّلام) از آن آگاهند؛ آن کار ما نیست - آن را بایستی برویم یاد بگیریم از روایات، از بیانات ائمه (علیهم السّلام) و بفهمیم - مراد همین عبارت ظاهر است. [مثلاً قرآن میگوید: وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ (۴) خب عاقبت - پایان کار - یعنی چه؟ پایان کار متعلق است به متّقین؛ هم پایان کار دنیا متعلق به متّقین است، هم پایان کار آخرت متعلق به متّقین است، هم مبارزات اگر بخواهد پیروز بشود متعلق به متّقین است، هم در میدان جنگ اگر بخواهید بر دشمن پیروز بشوید باید متّقی باشید. ببینید! [اگر] دقت بکنید، [می‌بینید] عاقبت مال متّقین است؛ این را یک خرده عمق پیدا کنیم، دقت پیدا کنیم، از جمله نگذریم. [یا مثلاً:] وَ لَتُبْلَوُنَّكُم بِشِيعٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ (۵) این خوف چیست؟ جوع چیست؟ انسان بایستی تأمل کند بر روی این کلمات، بر روی این مفاهیم؛ معنای این، همان تدبّر در قرآن است؛ تدبّر در قرآن، اینها است.

بَاطِنُهُ عَمِيقٌ؛ این عمق را هر کسی به اندازه‌ی توانایی خودش، به اندازه‌ی آگاهی‌های خودش، مطالعات خودش، فهم و هوش خودش، میتواند پیش برود؛ همه به یک اندازه پیش نمیروند. ما هم میتوانیم بالاخره یک دست و پایی بزنیم؛ این دست و پا را بزنیم یعنی دقت بکنیم که از قرآن معارف بفهمیم. اینکه گفته میشود «از قرآن درس زندگی بیاموزیم»، معنایش این نیست که مثلاً فرض کنید که بایستی ما قوانین و مقرّرات راهنمایی و رانندگی را هم در قرآن پیدا کنیم؛ نه، قرآن ذهن ما را به معارف عالی مزین میکند. وقتی ذهن انسان با معارف عالی بالا رفت، همه‌ی اسرار عالم را میتواند بفهمد؛ حکمت می‌آموزد:

آن که در او جوهر دانایی است

بر همه کاریش توانایی است (۶)

وقتی شما فهمیدید که معارف قرآنی اینها است و اینها مثلاً در ذهن جامعه، در ذهن مجموعه‌ی مجتمع در این کشور یا لاقلاً مجموعه‌ی قرآنی ما تثبیت شد، آن وقت بابهای معارف گوناگون بشری به روی انسان باز میشود.

به نظر من یکی از کارهایی که خیلی مهم است، عبارت است از اینکه ما دوره‌های قرآن را، جلسات قرآن را زیاد کنیم. البته توجه قرآنی در گذشته قابل مقایسه‌ی با امروز نیست؛ نمیشود گفت یک صدم، [بلکه] یک هزارم هم نبود؛ آن زمانی که ماها در عرصه بودیم و میدیدیم، واقعاً یک هزارم حالا هم نبود؛ اما بعضی از عادت‌های خوب وجود داشت که حالاها به خاطر تلویزیون قرآن و رادیوی تلاوت و مانند اینها که داریم - که خیلی هم خوب است - این چیزها یک خرده‌ای عقب افتاده که بایستی جبران بشود.

یکی همین دوره‌های خانگی قرآن بود، یکی همین قرآن [خواندن] در مساجد یا در حسینیه‌ها بود. مساجد را پایگاه

قرآن قرار بدهید. دو جور هم میشود جلسه‌ی قرآنی تشکیل داد: یکی همین که دور هم جمع بشوند و یک استادی بنشینند آنجا، بخوانند، قرآن افراد را تصحیح کند، نکات را بگوید، تذکرات را بگوید؛ این یک جور است. یک جور هم این است که جمع بشوند، یک نفر برود روی منبر، بنا کند قرآن خواندن، و نیم ساعت، یک ساعت قرآن بخواند - مثل منبری‌ای که منبر می‌رود و شما می‌نشینید پای منبرش، قرآن خوان، تالی قرآن، تلاوت‌گر برود روی منبر بنشیند و شروع کند به قرآن خواندن - شما هم بنشینید گوش کنید، [قرآن را] باز کنید، از روی قرآن نگاه کنید که این کار البته یواش‌یواش معمول شده. من وقتی می‌بینم در تلویزیون این کاری که در ماه رمضان‌ها در مشهد و قم و در خیلی از شهرهای دیگر راه افتاده است که جمع میشوند داخل صحن و یک جزء از قرآن را می‌خوانند، همه گوش میکنند، واقعاً لذت می‌برم - که از قم هم این کار شروع شد، دیگران هم یاد گرفتند - خیلی کار خوبی است. این بایستی در مساجد مختلف در طول سال - نه فقط در ماه رمضان - تکرار بشود. مساجد گوناگون پایگاه‌های قرآن باشند؛ اعلان کنند مثلاً فرض کنید که شب پنج‌شنبه، شب جمعه، شب شنبه - یک شبی در هفته؛ اگر هر شب نمیشود - یک نفر خواننده‌ی قرآن بیاید آنجا بنشیند، شما هم بروید آنجا بنشینید و قرآن را باز کنید، او بخواند و شما نگاه کنید؛ و به ترجمه هم مراجعه کنید؛ ترجمه‌های خوب. زمان ما، آن وقت‌هایی که بنده در مشهد تفسیر میگفتم - ده‌ها سال پیش - یکی دو ترجمه‌ی قرآن بود، آن هم ناقص؛ الان بحمدالله ترجمه‌های بسیار خوب، متعدد وجود دارد در دسترس مردم، این ترجمه‌ها را بگیرند نگاه کنند؛ این یک کار.

یک کار دیگر، جلسات تفسیر است؛ تفسیر هم بسیار بسیار مهم است. کسانی که میتوانند، کسانی که بلدند، عمدتاً آقایان روحانیون محترم، فضلاء محترم، کسانی که با قرآن انس دارند، مطالعه کنند، فکر کنند، مباحث تفسیری را بیان کنند، سطح معارف جامعه را بالا بیاورند. بالاخره اینکه فرمود: *«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»*؛ (۷) این قرآن «اقوم» را - «اقوم» یعنی استوارتر، بهتر، قوی‌تر، باقوام‌تر - به شما نشان میدهد، شما را به سمت «اقوم» راهنمایی [میکند]؛ «اقوم» در چه چیزی؟ «اقوم» در زندگی دنیائتان، «اقوم» در کسب عزتتان، «اقوم» در ایجاد حکومتتان و «اقوم» در زندگی حقیقی و حیات اخروی‌تان که آن حیات حقیقی است - *لِئِهِيَ الْحَيَوانُ* - (۸) معارف قرآنی وقتی همه‌گیر بشود، این جوری میشود. البته امروز ما بحمدالله خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما کم است؛ نسبت به آنچه باید باشد کم است، با اینکه نسبت به گذشته بسیار زیاد است؛ لکن بیشتر از این [باید باشد]. باید جوری بشود که جامعه‌ی ما، مرد و زن ما، جوانهای ما با معارف قرآنی انس بگیرند؛ اصلاً معارف قرآنی حاکم بر ذهنها باشد. اگر این شد، قدرت استدلال به وجود می‌آید، قوت دفاع به وجود می‌آید، ایمانها کامل میشود، حرکتها [به نتیجه میرسد].

در مورد جلسات قرآنی هم [نکته‌ای عرض بکنم]: حالا البته شما «الله الله» می‌گویید و خواننده را تشویق هم میکنید و بعضی‌ها هم یک خرده بالاتر، از روی نوارهای عربی که می‌آید و آنها یک هیاهوهای انجام میدهند - که طبیعت آنها است، این جور نیست که این جزو لوازم قرآن باشد - [یاد گرفته‌اند و] سعی میکنند همانها را عیناً تقلید کنند که این لزومی ندارد. تشویق هم خوب است، اشکالی ندارد، منتها من می‌بینم گاهی اوقات بعضی از این خواننده‌های خارجی که اینجا می‌آیند می‌خوانند - مال کشورهای عربی که بعضی‌شان هم انصافاً خوبند، همه‌شان یک جور نیستند - این حضاری که در جلسه نشسته‌اند، کأنه موظفند بعد از هر آیه‌ای یا نصف آیه‌ای که او می‌خواند، با صدای بلند تشویق کنند؛ چه لزومی دارد؟ یک عیب بزرگش این است که او می‌فهمد شما درست نمی‌فهمید تلاوت را؛ (۹) چون او بد می‌خواند، شما می‌گویید «الله الله»، او می‌فهمد که شما ملتفت نیستید؛ نه، شما سعی کنید آنجایی که خوب می‌خواند [تشویق کنید]. البته بچه‌های خودمان را هر چه تشویق کنید اشکالی ندارد، (۱۰) من با اینها مخالف نیستم اما وقتی که آن قاری بیرونی اینجا می‌آید و می‌خواند، این جور نباشد که [مستمع] موظف باشد که همین طور هر جور [خواند تشویق کند]؛ بخصوص گاهی اوقات با همان آهنگی که او می‌خواند «الله الله» می‌گویند؛ اینها لزومی ندارد؛ لکن خب جلسه‌ی گرم قرآنی، بسیار چیز خوبی است که در جامعه [رواج پیدا کند]. پس بنابراین آنچه عرض

میکنم این است که قاری خواننده‌ی قرآن وقتی که مخاطبی دارد، به آن نکته‌ی جمله توجه کند و روی آن تکیه کند، برای اینکه این تفهیم مفاهیم قرآنی آسان‌تر و بهتر بشود برای مخاطب.

عزیزان من! ما احتیاج داریم به قرآن؛ این قرآن نیاز امروز ما است؛ نه فقط ما ملت ایران، جامعه‌ی اسلامی بلکه جامعه‌ی بشری، امروز واقعاً به قرآن نیاز دارند. قرآن است که با استکبار مخالفت میکند، قرآن است که با ظلم صریحاً مخالفت میکند، قرآن است که با کفر بالله صریحاً مقابله میکند، قرآن است که با طغیان و طاغوت با قدرت مقابله میکند: الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ؛ (۱۱) این لحن قرآن چه قوی است! اینها همین گرفتاری‌های امروز بشر است. اینهایی که می‌بینید عربده میکشند در موضع ریاست جمهوری فلان کشور یا پادشاهی فلان کشور علیه ملت‌ها، علیه مردم، علیه صلح، علیه آرامش، علیه ثبات حکومتها و کشورها، همانهایی هستند که قرآن بر سر آنها داد کشیده؛ این را باید مردم بفهمند. اینکه قرآن به ما [میگوید]: وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ؛ (۱۲) اعتماد نکنید به ظالمین، این همین گرفتاری امروز مردم دنیا است. اعتماد میکنند، پدرشان درمی‌آید. دیدید در بعضی از این کشورهای عربی یک حرکت خوبی انجام گرفت، یک مبارزه‌ی خوبی به وجود آمد، یک غوغایی به پا شد، یک بیداری‌ای به وجود آمد، منتها مثل شعله‌ای که بیایند روی آن خاکستر بریزند و خاک بریزند، خاموش شد؛ چرا؟ چون «لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» را عمل نکردند. رکون (۱۳) کردند به آمریکا، به رژیم صهیونیستی؛ نفهمیدند چه کار باید بکنند، [لذا] این جوری میشود.

اگر چنانچه خدای متعال به یک ملتی کمکی کرد و آن ملت قدر آن کمک را ندانستند، کتکش را میخورند، سیلی‌اش را میخورند؛ باید قدر بدانند. ملت ما بحمدالله از روز اول قدر دانست. این حرکت عظیم ملت ما، این بقای انقلاب، این ایستادگی این ملت و عزت روزافزون این ملت، این پیشرفت فوق‌العاده‌ی این کشور به خاطر همین است که این ملت به برکت وجود امام بزرگوار به این چند جمله‌ی از آیات قرآن عمل کرد؛ او به ما یاد داد. خود او دلش پُر بود از ایمان به الله، سرشار و لبریز بود از ایمان به خدا و معارف قرآنی؛ به ما یاد داد که چه کار بکنیم و حرکت کردیم؛ و بحمدالله [ملت] ایستاد. امروز هم راه همین است؛ امروز هم جز ایستادگی در مقابل شیاطین و طواغیت و کفار راهی برای این کشور وجود ندارد و ان شاءالله که خدای متعال هم توفیقات خود و کمکهای خود را به این ملت خواهد داد. پروردگارا! ما را از اهل قرآن قرار بده. پروردگارا! ما را با قرآن زنده بدار؛ با قرآن بمیران؛ با قرآن محشور کن. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد امام بزرگوار ما را با اولیائت محشور کن؛ شهدای گران قدر ما را با شهدای کربلا محشور کن. پروردگارا! جوانهای ما را به راه راست هدایت کن؛ عاقبت همه‌ی ما را ختم به خیر بفرما؛ گرفتاری‌ها را برطرف بفرما.

رحم الله من قرأ الفاتحة مع الصلوات

(۱) درابتدای این دیدار، جمعی از قاریان و گروه‌های جمع‌خوانی به تلاوت قرآن و تواشیح‌خوانی پرداختند.

(۲) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸

(۳) خاقانی. دیوان اشعار، بخش قصاید، هنگام عبور از مدائن و دیدن طاق کسری

(۴) از جمله سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸؛ «... و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»

(۵) سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۵؛ «و قطعاً شما را به چیزی [از قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جانها و

محصولات می‌آزماییم ؛ و مزده ده شکیبایان را.»

۶) نظامی. مخزن الاسرار

۷) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۹

۸) سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۶۴

۹) خنده‌ی معظم‌له و حضار

۱۰) خنده‌ی معظم‌له و حضار

۱۱) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۶ : « آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند ؛ و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید.»

۱۲) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۳

۱۳) اعتماد